

وهابیت، مذهب یا توطئه در پوشش مذهب؟ (رد پای توطئه جدید بر علیه ملت تورکمن)

اختلاف انداختن و حکومت کردن، بویژه دامن زدن به اختلافات دینی و مذهبی و دمیدن به کوره خشم و نفرت بر علیه یکدیگر، در تمام طول تاریخ یکی از مؤثرترین سلاحهای سلطه جویان و غارتگران جهانی بوده است. همانگونه که میدانیم ایجاد اختلاف خشم آلود بین اسلام و مسیحیت منجر به پدید آمدن جنگهای خانمانسوز صلیبی شد که عواقب فاجعه باری برای بخش بزرگی از جامعه بشریت بیبار آورد. در حالیکه هردو این ادیان مبشر صلح و آشتی بوده، پیروانشان خدای واحدی را می پرستند.

در درون اسلام نیز اختلافات مذهبی مهمترین سلاح استعمارگران برای از هم پاشی نظام دولتها و اشغال سرزمینهایشان بوده است، که مشخصترین نمونه آن جنگ شیعه و سنی در دوران صفویه میباشد. در حقیقت شیعه گری تعصب آلود و قشری بعنوان ستون پنجم اروپائیان استعمارگر بر علیه امپراطوری ترکیه عثمانی عمل کرد که بزرگترین مانع در برابر آنان در اشغال سرزمینهای اسلامی بود.

در صد سال اخیر و بویژه پس از فروپاشی شوروی سابق و پایان جنگ سرد این مسئله وارد فاز جدیدی شد که همه روزه شاهد وقایع خونین و وحشتناک آن هستیم و پیوسته با بدعتهای مشکوک و خطرناکی روبرو می شویم. یکی از اینگونه تشبثات که ملت متمدن و صلحجوی ما را نیز هدف قرار داده، جریان وهابیت میباشد. هرچند این جریان سالها پیش نیز در ترکمنصحرا گاهی مطرح می شد، اما مردم ما توجهی به آن نمی کردند و سریعاً فراموش می شد. بعنوان مثال زمانی آنها قلیچ آخوند نقشبندی رقیب خود محمد آخوند نوریزاد را به وهابیت متهم کرده شایع انداخت که وی مخالف زیارت اماکن مقدسه میباشد. ملتمان توجه چندانی به آن نکرد، زیرا چیزی فراتر از تکرار این ضرب المثل مشهور تورکمنی نبود: "قیرق اولیا یالباراندان بیر خودایا" (بجای تمنا از چهل اولیاء از خدای واحد طلب حاجت کن). باورهای دینی در بین تورکمنها در تمام طول تاریخ با هرگونه قشری گرای و تعصب نفرت زا بیگانه بوده است. من در حد توان خود در مقاله جداگانه ای به این مسئله خواهم پرداخت.

اما پس از فروپاشی شوروی سابق و تبدیل تورکمنستان شوروی به جمهوری مستقل تورکمنستان، این مذهب بیگانه پرورده جان تازه ای گرفت و با حمایتهای مادی و سیاسی قدرتهای خارجی، هم در تورکمنصحرا و هم در تورکمنستان بطور سیستماتیک می کوشد تا در بین توده های مردمان جای پا باز کند. در تورکمنصحرا حتی مسجد ویژه خود را نیز ساخته اند و در تورکمنستان نیز با توسل به ترفندهای گوناگون بتدریج جای پا باز می کنند. مثلاً شایع است که برای جذب جوانان تنگدست پیشنهاد می کنند که اگر مذهبشان را بپذیرند صاحب خانه و زندگی خواهند شد. در عین حال در رسانه های شان شایعه راه می اندازند که گویا صدها تروریست از تورکمنستان آمده در سوریه می جنگند! در حالیکه هر تورکمنی و یا غیر تورکمنی که آشنایی نزدیک با فرهنگ تورکمنی دارند بخوبی واقفند که مقولاتی مانند تروریسم برای ما مطلقاً بیگانه بوده، اینگونه شایعات، دروغ بیشرمانه ای با هدفهای خطرناک نمی باشد. هرچند ممکن است تعدادی مزدور دست پرورده شان را در رسانه های گروهیشان علم کنند. با توجه به حقایق فوق، لازم دانستیم تا در حد توان و با استفاده از امکانات موجود در دسترسمان بکوشیم تا این جریان انحرافی را افشاء و ملتمان را از عواقب خطرناک احتمالی آن آگاه سازیم. در رابطه با تاریخچه و نقش بهائیت در منابع مختلف به اطلاعات زیر برخورد می کنیم:

" نباید تصور کنیم استعمارگران این جریان را در یک محیط خلأ به وجود آورده و آن را حمایت کرده اند. چنین چیزی ممکن نیست و کندوکاوهای تاریخی نیز آن را تایید نمی کند. رگه هایی از این تفکر مسبوق به سابقه بوده است. ظاهر گرای و زویرگی هایی است که در جهان اسلام قبلاً وجود داشته است..."

وهابیت جنبشی مذهبی است که محمدبن عبدالوهاب در قرن هجدهم در نجد عربستان بنا کرد. محمد عبدالوهاب معتقد بود که دین اسلام از قرن سوم هجری، راهی متفاوت را طی کرده و دارای زواید و حواشی بسیاری شده است. او مسائلی چون زیارت مزار مردگان و ستایش و بزرگداشت شخصیت های دینی و مذهبی را از جمله این حواشی بر می شمرد...

دکتر جواد میری استاد جامعه شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و استاد مدعو دانشگاه ادیان و مذاهب در گفت و گو با تهران امروز به ریشه های بروز و ظهور این تفکر اشاره کرده و می گوید: «نگاه کلی به فعالیت های محمد عبدالوهاب در بسیاری از کتب به صورت کلی آمده است. اما با یک نگاه مجمل می توان گفت که رشد این پروژه به استعمار قرن نوزدهم پیوند نزدیکی دارد. استعمار در قرن نوزدهم سه امپراتوری بزرگ مانند گورکانیان در شمال هند، امپراتوری عثمانی و سلسله پادشاهی قاجار را در نظر داشت. هر سه کشور اواخر قرن نوزدهم با اتفاقات خاصی همراه است. در ایران، ما با پیدایش بابیت و بهائیت روبه رو هستیم. در داخل مستعمرات عثمانی، ما ظهور و پیدایش وهابیت را داریم. در داخل امپراتوری گورکانی که رو به اضمحلال می رفت، پیدایش نحله فکری قادیانی گری یا احمدیه را شاهد هستیم. هر سه اینها به گونه ای با استعمار قرن نوزدهم که در بازی ای بزرگ

حرکت خود را شروع کرده بود، رشد و نمو خود را آغاز کرده بودند. به عبارت دیگر ما نباید وهابیت را به صورت یک پروژه ببینیم. بلکه وهابیت یک پروژه چند ضلعی بوده که از سوی استعمارگران ترسیم شده است. ارتباط مستقیم پروژه استعمار با وهابیت به گسترش امپراتوری عثمانی و رقابت اروپاییان با این امپراتوری برمی گردد. آنها چون از خارج موفق به تضعیف امپراتوری عثمانی نبودند، تصمیم گرفتند از داخل به تضعیف این امپراتوری بپردازند. قرن نوزدهم قرن ناسیونالیسم و شکل گیری مفهوم ملت هاست. مفهوم ناسیونالیسم بر اساس ایده واحد زبان، خاک و ملیت بنا شده است. ما در داخل امپراتوری عثمانی با قومیت های گوناگونی مواجه هستیم. به دلایل گوناگون از جمله حاکمیت ناصواب امپراتوران عثمانی نارضایتی در درون این اقوام ایجاد می شود که استعمارگران به آن دامن می زنند. تناقض بین حاکمیت ترک و نژاد عرب و مسیحیانی که در داخل لبنان زندگی می کردند، گوشه ای از تفاوت هاست. در این میان به علت رفت و آمد مسلمان به اروپا و برعکس، وجود ایده های مدرن حکومت، چون دموکراسی نیز خودش را نشان می دهد...

دکتر جواد میری پایه فکری وهابیت را به سالهای دورتر مرتبط می داند و می گوید « تفکر محمد بن عبدالوهاب به ابن تیمیه برمی گردد. او کسی است که به قرانت های افراطی از اسلام مشهور است. او تقریباً هر کسی که با مرام فکری او منطبق نبود را فردی ملحد و کافر قلمداد می کرد، تاجایی که او خواجه نصیرالدین طوسی که حکیم جهان اسلام است را در جرگه کافران قرار می دهد. در تفکر ابن تیمیه که محمد بن عبدالوهاب از آیشخورهای فکری او تغذیه می کند نقل، اساس و ثقل فهم دین قلمداد می شود. در این دیدگاه جایی برای عقل و بینش حکمی تعریف نشده است. در کشورهای وهابیت به صورت گسترده وجود ندارد، به بسیاری از نقاط این نحله فکری کمتر توجه می شود...»¹

" مسلک جعلی وهابیت، بیش از دو قرن است که همچون موربانه ای، به دنبال تخریب دین و تهی نمودن آن است. مسلکی که به هیچ وجه سازگاری عقلایی ندارد و با روش های ملایم با فطرت عقلاً کاملاً بیگانه است. 1 وهابیت از فرق نسبتاً نو پای اسلامی است، که در زادگاه اسلام، یعنی در عربستان رشد یافته و به دلیل پشتوانه قوی سیاسی و اقتصادی، در حال گسترش به دیگر نقاط اسلامی است. از آنجا که پیروان این فرقه، تنها خود را بر حق دانسته و پیروان مذاهب دیگر اسلامی را کافر، مشرک و خارج از حوزه اسلام می شمردند، اهمیت مطالعه و تدقیق در اصول فکری این مکتب آشکار می گردد ...

نکته بسیار عجیب و غیر قابل هضم در این کار، جریان فتوای محمد بن عبدالوهاب به تکفیر مسلمانان جهان و تشویق پیروان خویش، به قتل و غارت آنان، به اتهام شرک و بت پرستی است که صحنه های جانگدازی در طول دو قرن اخیر پیش آورده است. چنین فتوایی در میان پیروان ادیان الهی کمتر سابقه دارد...

تبلیغ وهابیت در کشورهای اسلامی، مسئله جدی است. انحرافات اساسی این فرقه علاوه بر اینکه از آرا و پندارهای پیشوایان سلفی گری (ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب) نشأت گرفته است، به عنوان ابزاری در دست استعمارگران و سیاست های شیطانی امریکا و انگلستان قرار دارد و یکی از عوامل اصلی ایجاد اختلاف و تفرقه میان مسلمانان محسوب می شود. تفرقه و تشنت در دنیای اسلام، خواست استکبار جهانی به سرکردگی امریکاست. و با تشدید آن، دشمنان اسلام و مسلمانان، بیشترین بهره را از ذخایر مادی و معنوی کشورهای اسلامی برده اند...

در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز شمالی که اسلام صوفی رایج بوده و خصوصیت محلی دارد، جنبش نوسازی تحت عنوان وهابیزم ایجاد شده است. مروج افکار وهابیت در منطقه، واعظانی هستند که از بعضی کشورهای عربی و اسلامی به منطقه آمده اند. نخستین پیروان آنها یا جوانانی هستند که بعد از شروع پروستریکا از امکان تحصیل در مراکز الهیات خارج کشور برخوردار شده اند یا جوانانی هستند که به دلایل شخصی یا اجتماعی، با سیستم تقسیم قدرت، نفوذ، حیثیت و ثروت در جامعه مخالف اند.

بسیاری نویسندگان که در مورد علل پیدایش وهابیت در کشورهای مستقل مشترک المنافع تحقیق می کنند، به نقش عربستان در حمایت و تأمین بودجه جنبش وهابیت اشاره می کنند. در ابتدای تشکیل این کشورها، هزینه تعمیر و احداث مساجد، آموزش ابتدایی اسلامی، اعزام دانشجویان به دانشکده های مذهبی خارجی، انتشار کتب اسلامی، آموزش زبان عربی و اعزام مسلمانان برای انجام مراسم حج، توسط عربستان تأمین شده است، به همین دلیل برخی نویسندگان مدعی هستند که جنبش وهابیت تنها با کمک های عربستان شکل گرفته است...²

"به قدرت رسیدن جورج دبلیو بوش و وقوع حادثه 11 سپتامبر در سال 2001 سرآغاز تحولاتی نوین در آمریکا و در روابط بین الملل شد. این حادثه توانست نوعی انسجام به سیاست خارجی امریکا ببخشد؛ چرا که کلیه چالشگران با هژمونی واشنگتن را در زیر چتر تروریسم قرار داد. حادثه 11 سپتامبر، واقعه ای بود که دشمن جدیدی بنام تروریسم برای ایالات متحده امریکا خلق کرد و زمینه لازم را برای بهره برداری این کشور از موقعیت و قدرت خود فراهم ساخت. با توجه به وضعیت جدید، رهبران کاخ سفید در صدد تدوین ساختاری استراتژیک و مناسب برای

¹ - www.tehranemrooz.net تهیه متن از زهر نوری، منبع: یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۱ روزنامه تهران امروز -

نویسنده، مجید دیوسالار <http://www.bashgah.net/fa/content/show/26568> ۱۳۸۷/۰۷/۲۴ سایت / حوزه / منبع -²

مقاطع کنونی و آینده خود برآمدند که ما حاصل آن تدوین استراتژی‌هایی از جمله «استراتژی امنیت ملی آمریکا برای قرن 21» بود. بلافاصله بعد از حملات تروریستی 11 سپتامبر به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی و ساختمان پنج ضلعی پنتاگون، مقامات آمریکا انگشت اتهام را به سوی گروه‌های بنیادگرای اسلامی نظیر القاعده، طالبان و شخص بن لادن نشانه رفتند و متعاقب آن ماشین جنگی آمریکا با هدف مبارزه با تروریسم روانه افغانستان و در نهایت عراق شد...

استعمار انگلیس برای گسترش این اندیشه در سال، 1920 یکی از فرزندان فیصل را از عربستان به حاکمیت عراق منصوب کرد، امیر عبدال... فرزند دیگر فیصل را حاکم اردن نمود، سومین فرزند فیصل را حاکم سوریه قرار داد. همین‌طور در سال 1782 طائفه وهابی الخلیفه را حاکم بحرین نمود و با حمایت از آنها در سال 1820 طائفه الخلیفه با کمک دولت وهابی عربستان، ضمن مهاجرت سنی‌های وهابی به بحرین شیعیان بحرین را قتل عام نمودند (دوانی، 1366، ص58).

در سال 1928 توسط طائفه الخلیفه، قیام شیعیان امارات به شدت سرکوب شد. استعمار انگلیس با انتصاب طوائف وهابی از کشور عربستان حاکمیت شیخ‌نشین‌های خلیج فارس را نیز به دست گرفت. طی 150 سال، وهابیت به عنوان اهرمی در دست استعمار انگلیس بود و از قدرت گرفتن و وحدت جهان اسلام، ممانعت به عمل می‌آورد تا اینکه بحث اسرانیل در خاورمیانه ایجاد شد و قدرت‌های شیعی نیز به محوریت ایران احیا گردید. از آنجا که قطب‌بندی‌های جهانی و صف‌آرایی غرب و شرق در مقابل یکدیگر، آینده حاکمیت جهان را رقم می‌زد و استعمار انگلیس جایگاه منطقه‌ای و جهانی خود را به آمریکا داده بود، امریکایی‌ها در افغانستان از وهابیت با اندیشه ضد کمونیست در جنگ برضد روس‌ها به عنوان ابزاری دیگر استفاده کردند. در اظهار نظر رسمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بن لادن مقام قهرمانی مبارزه با کمونیست را خود اختصاص داده بود.³

"وهابیت و آل سعود در آغوش آمریکا و انگلیس:

یکی از افسران عملیاتی سابق دستگاه جاسوسی آمریکا، در کتاب جنجالی خود به موضوع نحوه پیدایش تروریسم تکفیری در منطقه خاورمیانه پرداخته است. شبکه خبری العالم برای نخستین بار ترجمه مهمترین بخش‌های این کتاب را در چند قسمت منتشر کرد.

به گزارش پایگاه خبری شبکه العالم، "رابرت بایر" مؤلف کتاب " **خوابیدن با شیطان** " از افسران عملیاتی سابق دستگاه اطلاعات مرکزی آمریکا است. وی پست‌های مختلفی را در "سی. آی. ای" برعهده داشت که از جمله آنها ریاست تیم این سازمان در لبنان در سال 1983 و انفجار بئر العبد است.

وی در این کتاب فصل‌هایی را به عملیات تعقیب "شهید عماد مغنیه" از فرماندهان مقاومت اختصاص داده است. بایر پس از ناکامی در ترور مغنیه در لبنان، مسئولیت پرونده عراق را برعهده گرفت.

این مسئول سابق سیا در کتابش، به مسائلی در خصوص همکاری عربستان و آمریکا در ایجاد تروریسم تکفیری و هدایت آن اشاره می‌کند.

با وجود انتشار این کتاب در سال 2003، ترجمه‌ای از آن به زبان عربی یا فارسی منتشر نشد. این کتاب در بین خبرنگاران با نام "کاخ سفید و طلای سیاه" نیز شناخته می‌شود...

"جیمز فورستال" وزیر نیروی دریایی در نامه‌ای با مُهر "بسیار سری" در 11 دسامبر 1944، تأکید کرد که قدرت آمریکا در کنفرانس‌های بین‌المللی به مواد حیاتی مانند نفت بستگی دارد و مشکلاتی مانند خطوط هوایی، حمل و نقل، پایگاه‌های دریایی، توافقنامه امنیتی بین‌المللی، همگی به ذخایر نفتی بستگی دارد. بنابراین فعالیت در زمینه افزایش ذخایر نفتی در این زمان بسیار مطلوب است.

برای عربستان آمریکا نسبت به انگلیس یک ویژگی برتر داشت. بن سعود همه زندگی خود را به جنگ برای کسب قدرت در کشورش گذراند. و این کار را نکرد که آن را در مقابل کشوری مانند انگلیس که دارای تاریخچه‌ای استعماری است و همیشه به دنبال دخالت در منطقه بود، از دست بدهد. به همین دلیل با توجه به دور بودن آمریکا از نظر جغرافیایی به نظر آمریکا گزینه‌ای امن‌تر برای عربستان بود.

روزولت و بن سعود در مذاکرات خود دیدگاه های مشترکی را در خصوص بسیاری از مسائل و همکاری ها به وجود آوردند...

از سال 1970 به بعد، خاندان حاکم در عربستان و جمعیت های خیریه این کشور، دلارهای نفتی خود را در ساخت مدارس دینی در داخل و خارج از عربستان به کار گرفتند، تا نسل جدید را با خشونت آمیزترین و افراطی ترین تفسیر از اسلام تربیت کنند.

در این بین وهابی ها به عنوان اسلامگرایان افراطی پا به عرصه گذاشتند. مدارس دینی بهترین مکان برای آماده کردن جنگجویان بود. در سال 1980 این مدارس به مکانی حاصلخیز برای افراط گرایان تبدیل شد و از آنجا دعوت برای جنگ مقدس ضد شوروی متجاوز در افغانستان سر داده شد. عناصر مسلح با سلاح های آمریکا و حمایت مالی و لجستیکی این کشور مجهز شدند و "افغان عرب" هدایت جنگ سرخ به سوی مسکو را برعهده گرفتند و مسیر تاریخ را تغییر دادند.⁴

با توجه به حقایق بالا بر ملت ماست که با هوشیاری تمام بکوشیم تا قربانی این توطئه خطرناک نشویم. با تمام توان باید بکوشیم تا کسانی را ناآگاهانه قربانی می شوند آگاه، و کسانی را آگاهانه خود را به پول و مقام فروخته اند، در جامعه مان فاش و منزوی شان بکنیم. تاریخ هر ملتی پر از فرازونشیبها و پیروزیها و شکستها میباشد. اما افتادن به دام شیاطین حيله گر مایه روسیاهی و کسر شأن خواهد شد.

مقاله کوتاهم را با بیتی از شعر بسیار پندآموز و هشدار دهنده شاعر ملی مان "ماغتیمقولی فراغی" خاتمه می دهم:

بیر-بیرینگی چاپماق ارمس اریلکدن بوايش شیطانی دیر، یوغسا کورلیکدن
آغزی آلایلیق، آیرار ایلی دیرلیکدن دؤولت دؤنوپ،نوبات دوشمانا گلگه ی.
ترجمه:

زدن یکدیگر نشانه مردانگی نیست این کاریست شیطانی، یا از سر جهالت
اختلاف، پایان حیات هر ملت نیست بخت برگردد و نوبت به دشمن رسد.

ب. گری: یانوار

2014